

سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران

نوشتهٔ مرتضی محمدنیا سماکوش

با همکاری دکتر حسن اشرفی ریزی و دکتر حسین محمدی



تهران / ۱۳۹۰

سرشناسه	: محمدنیا سماکوش، مرتضی
عنوان و نام پدیدآور	: سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران/ نوشته مرتضی محمدنیا سماکوش با همکاری حسن اشرفی ریزی، حسین محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: کتابدار، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۸ ص: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: کتابخانه‌ها -- ایران - تاریخ
شناسه افزوده	: اشرفی ریزی، حسن، ۱۳۵۷ -
شناسه افزوده	: محمدی، حسین
شناسه افزوده	: محمدی، حسین، ، همکار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ م۲۶ الف/۸۴۵ Z
رده بندی دیویی	: ۰۲۷/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۳۰۴۴۷۴



www.ketabdar.org
mohseni@ketabdar.org

عنوان: سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران

نویسنده: مرتضی محمدنیا سماکوش

ویراستار: رزیتا بهزادی

صفحه‌آرایی: فاطمه آزادی

طرح جلد: نسرین حاجی‌علی

مجموعه کتابدار، ۲۰۶

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه / قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۸۹-۹۷-۲

نشانی توزیع: کتابدار، صندوق پستی ۱۹۷۳-۱۴۱۵۵

تلفن: ۴-۸۸۴۸۱۳۵۳ / ۸۸۹۷۹۵۶۱ / دورنگار: ۸۸۹۷۹۵۶۰ / همراه: ۰۹۱۲۱۸۸۳۵۸۱

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول	
خط، زبان، دانش و کتاب در ایران باستان	۱۵
مقدمه	۱۵
خط در ایران باستان	۱۵
خط و کتابت ماد	۱۶
دوره هخامنشی	۱۶
نخستین خط ایرانی	۱۷
پارسی باستان	۱۸
خط میخی	۱۸
زبان اوستایی	۱۹
خط اوستایی	۱۹
دوره اشکانیان	۲۰
زبان پهلوی اشکانی	۲۰
خط پهلوی اشکانی	۲۱
دوره ساسانیان	۲۲
زبان پهلوی ساسانی	۲۲
آموزش و پرورش	۲۴
اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان	۲۶
سازمان آموزشی ایران باستان	۲۶
برنامه آموزشی در ایران باستان	۲۷
آموزش و پرورش در دوران حکومت مادها	۲۸

۲۹	آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان.....
۳۳	آموزش و پرورش در عصر سلوکیان و اشکانیان.....
۳۵	آموزش و پرورش در عصر ساسانیان.....
۳۸	دانش‌های ایرانی در عهد باستان.....
۴۳	پزشکی.....
۴۵	نجوم و هیات.....
۴۷	کتاب در ایران باستان.....
۵۳	نقاشی کتاب در ایران.....
۵۵	ادبیات اوستایی.....
۵۶	متون فلسفی و کلام.....
۵۶	کشف و شهود و پیشگویی.....
۵۸	اخلاقیات و اندرز.....
۶۰	اندرزهای پهلوی در کتابهای دوران اسلامی.....
۶۰	رسالات در آیین کشور داری.....
۶۱	خطبه‌های هنگام جلوس بر تخت.....
۶۱	چیستان.....
۶۱	مناظره و مفاخره.....
۶۱	تاریخ و جغرافیا.....
۶۲	فقه و حقوق.....
۶۲	رسالات کوچک تعلیمی.....
۶۲	داستان‌های مثنوی.....
۶۳	شعر پهلوی.....
۶۳	کتاب‌های علمی.....
۶۳	فرهنگ‌ها.....

فصل دوم

۶۵	عوامل شکل‌گیری کتابخانه‌ها در ایران.....
۶۵	مقدمه.....
۶۵	عوامل موثر در شکل‌گیری کتابخانه در ایران.....
۶۶	پادشاهان و فرمانروایان به عنوان عامل شکل‌گیری کتابخانه.....
۷۳	وزیران و دانشمندان به عنوان سازنده کتابخانه در ایران.....
۷۷	دین و کتاب‌های دینی به عنوان عامل تشکیل‌دهنده کتابخانه.....
۷۹	مظاهر دینی چون وقف به عنوان شکل‌دهنده کتابخانه.....

۸۱	رقابت حاکمان به عنوان شکل دهنده کتابخانه در ایران
۸۲	اظهار تفاخر و جاودانه ساختن (خیران کتابخانه ساز)
۸۲	علم‌پروری و علم‌آموزی و انتقال علم و دانش عامل شکل دهنده کتابخانه‌ها
۸۴	اداره قلمرو گسترده و نواحی تابعه
۸۴	تداوم آموزش و سوادآموزی و ارتقای فرهنگ جامعه
۸۵	سرگرمی، تفریح و تفنن
۸۶	دسترس‌پذیر کردن اطلاعات و آگاهی
۸۶	سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران

فصل سوم

۸۹	مهمترین کتابخانه‌های ایران از باستان تا ظهور اسلام
۸۹	خلاصه‌ای از کتابخانه‌های تمدن‌های غیرایرانی
۸۹	کتابخانه‌های قبل از ماد
۹۳	کتابخانه در بین‌النهرین باستان
۹۵	سومریان
۹۶	کتابخانه‌های سومریان
۹۷	بابلیان
۹۸	کتابخانه‌های بابلیان
۹۸	آشوریان
۹۹	کتابخانه‌های آشوریان
۱۰۱	کتابخانه در دوره ماد و هخامنشیان
۱۰۴	کتابخانه دژ سارویه یا کهن‌دژ (اصفهان)
۱۱۰	کتابخانه تخت جمشید (استخر)
۱۱۵	کتابخانه تخت جمشید (گنجینه سلطنتی)
۱۲۲	کتابخانه دژنیش یا دژ نوشته‌ها (کتابخانه مذهبی)
۱۳۰	کتابخانه شیزیکان یا آذرگشنسب
۱۳۱	آذرگشنسب
۱۳۵	کتابخانه شیز
۱۳۸	کتابخانه دانشگاه جندی شاپور
۱۴۸	اوج و افول کتابخانه‌های ساسانیان
۱۴۹	کتابخانه بعد از اسلام تا دوره صفویه (نابودی و تولد دوباره)
۱۴۹	نگاه کلی به این دوره
۱۵۵	مهمترین کتابخانه‌های دوره دوم عبارت‌اند از

- ۱۵۵.....کتابخانه بیت الحکمه.....
- ۱۵۸.....کتابخانه حسن ابن موسی بن نوبخت.....
- ۱۵۹.....کتابخانه نوبخت.....
- ۱۶۰.....کتابخانه نوح ابن منصور سامانی.....
- ۱۶۱.....کتابخانه سامانی.....
- ۱۶۲.....کتابخانه صاحب ابن عباد.....
- ۱۶۴.....کتابخانه ابو نصر شاپور ابن اردشیر (آل بویه).....
- ۱۶۵.....کتابخانه شاپور.....
- ۱۶۷.....کتابخانه نظامیه بغداد.....
- ۱۷۲.....کتابخانه سید نا در الموت.....
- ۱۷۴.....کتابخانه دانشگاه مراغه.....
- ۱۷۵.....کتابخانه مراغه.....
- ۱۷۷.....کتابخانه الغ بیک.....
- ۱۷۹.....کتابخانه غیاث الدین بایسنقر (۸۰۲ ه.ق. - ۸۳۷ ه.ق.).....
- ۱۸۲.....کتابخانه بایسنقر.....
- ۱۸۴.....کتابخانه نظام الدین امیر علیشیر نوایی.....
- ۱۸۶.....کتابخانه مولانا عبد الرحمن جامی.....
- ۱۸۸.....کتابخانه‌ها از صفویه تا عصر حاضر (شکوفایی و فن آوری‌های جدید).....
- ۱۸۹.....اهمیت این دوره.....
- ۱۹۶.....کتابخانه شیخ صفی اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰ ه.ق / ۱۲۵۲ - ۱۳۳۴ م).....
- ۱۹۷.....کتابخانه شیخ.....
- ۱۹۸.....کتابخانه شاه عباس کبیر.....
- ۱۹۹.....کتابخانه شیخ بهایی.....
- ۱۹۹.....کتابخانه کلیسای جلفای اصفهان.....
- ۲۰۰.....کتابخانه علامه مجلسی.....
- ۲۰۱.....کتابخانه سلطان حسین صفوی.....
- ۲۰۲.....سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.....
- ۲۰۴.....ساختمان کتابخانه در ادوار مختلف.....
- ۲۰۷.....کتابخانه‌های افشاریه و زندیه.....
- ۲۰۷.....کتابخانه مفتون تبریز.....
- ۲۰۸.....کتابخانه آذربایجان.....
- ۲۰۸.....کتابخانه اعتضاد السلطنه (۱۲۳۴ - ۱۲۹۸ ه.ق.).....
- ۲۰۹.....کتابخانه فرهاد میرزا.....
- ۲۱۱.....کتابخانه مدرسه صدر اصفهان.....

۲۱۲.....	کتابخانه مظفرعلی شاه در کرمانشاه.....
۲۱۲.....	کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار.....
۲۱۳.....	کتابخانه عزالدوله.....
۲۱۴.....	کتابخانه مدرسه دارالفنون.....
۲۱۵.....	کتابخانه سلطنتی ایران.....
۲۱۶.....	کتابخانه تربیت تبریز (عمومی).....
۲۱۹.....	کتابخانه عمومی پارک شهر تهران.....
۲۲۲.....	کتابخانه و موزه ملی ملک.....
۲۲۳.....	کتابخانه وزیری یزد.....
۲۲۶.....	کتابخانه مجلس شورای اسلامی.....
۲۳۰.....	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.....
۲۳۲.....	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.....
۲۳۳.....	کتابخانه ملی ایران.....
۲۴۵.....	مرکز منطقه‌ای علوم و تکنولوژی.....

فصل چهارم

۲۴۷.....	تحلیلی بر سیر تاریخی انواع کتابخانه‌ها در ایران.....
۲۴۷.....	دوره اول یعنی دوره باستان تا اسلام.....
۲۴۸.....	دوره دوم از اسلام تا صفویه.....
۲۴۹.....	دوره سوم از صفویه تا عصر حاضر.....
۲۵۰.....	منابع کتابخانه‌ها و کارکرد عمده آنها.....
۲۵۲.....	نتیجه‌گیری و پیشنهاد.....
۲۵۵.....	پیشنهادات.....

مقدمه

به طور کلی برای هر پژوهش علمی دو انگیزه کلی وجود دارد: یکی درک درست از جهان اطراف و موضوع مورد نظر و دیگری تلاش برای تسلط و دستیابی به شیوه‌ها، قوانین و اطلاعات علمی جدید. اگر این تلقی را به پژوهش تاریخی نیز تعمیم دهیم، می‌توان گفت که علت تحقیق، کنجکاوی دربارهٔ مطالب یا کاربرد آن در عمل است. کنجکاوی، نیاز، شوق و عشق به دانستن، تنها انگیزه واقعی تحقیق و جست و جوست.

پژوهش تاریخی، فهرست زمانی حوادث نیست؛ بلکه سند صادق و کاملی است که اشخاص، حوادث و موضوعات مختلف را در زمان و مکان معین بررسی می‌کند. تاریخ بررسی حوادث و رویدادهای مهم بشری بر اساس ترتیب زمانی است. انسان از گذشته برای درک حال و به عنوان چراغی برای حرکت به جلو استفاده می‌کند. با پیشینه‌های گذشته، انسان می‌تواند با درجه‌ای از اطمینان، آینده را به طور تقریبی پیش‌بینی کند و براساس اطلاعات کسب شده گذشته، راه‌های مناسبی انتخاب کند که موجب تصمیم‌گیری صحیح می‌شوند. با آگاهی از گذشته، از اشتباهات احتمالی جلوگیری و از تجارب گذشته برای زندگی بهتر استفاده می‌کند. هر طرح پژوهشی تنها زمانی موفق است که پیوند با گذشته و نگاهی به گذشته داشته باشد. بدیهی است هر چه پیوند به گذشته یک حوزه پژوهشی مستحکم‌تر و نگاه آن به آینده واقع‌بینانه‌تر باشد، انسجام و اثربخشی پژوهش‌های انجام شده در آن حوزه بیش‌تر خواهد بود. پژوهش‌های مربوط به کتابخانه، کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و همواره به برقراری این پیوندها نیاز است. با توجه به اهمیت این مساله در کتابداری، به خصوص در کشور ما که به گذشته و پیشینه کتابخانه‌ها و کتابداری و اطلاع‌رسانی کم‌تر

پرداخته‌اند، این کتاب گامی هر چند کوچک برای شناخت پیشینه غنی کتابخانه‌ها، کتابداری و اطلاع‌رسانی در کشور است. همچنین این کتاب می‌تواند منبع مناسبی برای درس «کتابخانه و کتابداری» محسوب شود؛ زیرا حاوی سرگذشت و تاریخچه نسبتاً کاملی از مهم‌ترین کتابخانه‌های ایران از گذشته تا قبل از به وجود آمدن کتابخانه‌های دیجیتالی و الکترونیکی در ایران است.

علت نگارش کتاب

پژوهشگران تا کنون بر اساس کشفیات و کاوش‌های باستان‌شناسی (نوار پاپيروس کشف شده در مصر موجود در دانشگاه لایپزیک آلمان) بر این باورند که الواح گلی کشف شده در بین‌النهرین، قدیمی‌ترین نوشته و پیشینه در زمینه کتاب و کتابداری مصریان و سومریان است. در حالی که در هیچ یک از منابع و متون تاریخی نامی از کتاب و کتابخانه آن‌ها برده نشده است اما چندین متن و منابع تاریخی درباره کتاب و کتابخانه در ایران وجود دارد. مانند کتاب مقدس عهد عتیق در کتاب عزرا که علمای یهودی از داریوش می‌خواهند که در کتابخانه‌های سلطنتی شاهنشاه جست‌وجو کند و درباره پیشینه قوم بنی‌اسرائیل^۱ جويا شود. در نامه تنسر به گشنسپ هم که به جفنشاه، پادشاه طبرستان نوشته بود، از کتابخانه دژنشت و آذرگشنسپ یاد می‌شود. این کتاب سعی دارد دورنمای روشنی از پیشینه کتابخانه‌های ایران و اطلاعات نسبتاً کافی و ارزشمند در اختیار کتابداران و علاقه‌مندان فرهنگ ایران قرار دهد تا در پرتو رویدادها و روندهای گذشته، دورنمای روشنی از گذشته داشته باشند و جبران کم‌لطفی-هایی شود که بعضی از محققان خارجی و داخلی نسبت به این موضوع روا داشته‌اند. نگارنده این کتاب هم مدعی نیست که این کتاب کامل و جامع است. به همین دلیل همواره پذیرای راهنمایی‌ها و انتقادات دوستداران و صاحب‌نظران در این حوزه می‌باشد.

روش کار

در پژوهش‌های تاریخی، معمولاً پژوهشگر از دو نوع منابع تاریخی به نام منابع دست اول و منابع دست دوم استفاده می‌کند. تاریخی بودن موضوع این کتاب سبب شد تا جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از متون و منابع دست اول تاریخی و کتابخانه‌ای باشد. برای ارائه اطلاعات

۱. کتاب عهد عتیق، کتاب عزرا، ۱۳۸۳: ۸۸۴. چاپ اساطیر. ترجمه فاضل خان همدانی

مناسب و ارزیابی پیشینه کتابخانه‌های ایران، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، جست‌وجو و مطالعه منابع مهم تاریخی و کتابخانه‌ای قابل دسترس بوده که ارتباط بیش‌تری با موضوع داشته است. محدوده زمانی مورد نظر، شکل‌گیری و سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران از دوره باستان تا عصر حاضر بوده است. در ابتدا، پیشینه خط و اقوام ایرانی به ترتیب زمانی بررسی شد که در طول تاریخ در سرزمین ایران زندگی می‌کردند و صاحب تشکیلات و حکومت بودند. سپس عوامل موثر در روند شکل‌گیری کتابخانه‌ها در ایران تجزیه و تحلیل شد. سپس سرگذشت کتابخانه‌های مهم ایران که در متون و اسناد تاریخی نام‌شان ذکر شده، آورده شده است.

در پایان، لازم می‌دانم از زحمات و همکاری دکتر حسن اشرفی‌ریزی و دکتر حسین محمدی و حمید محسنی که در تدوین و ارائه این کتاب راهنمایی‌های بسیار ارزنده‌ای نمودند، تقدیر و تشکر کنم.

مرتضی محمدنیا سماکوش
کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و فن‌آوری اطلاعات
دانشگاه تربیت معلم تهران، پردیس کرج، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد
Mortaza_570m@yahoo.com

فصل اول

خط، زبان، دانش و کتاب در ایران باستان

مقدمه

در ایران باستان، قبل از به وجود آمدن و ظهور کتابخانه عواملی موثر بوده که از عناصر سازنده و تشکیل‌دهنده کتابخانه‌هاست. در یک جامعه قبل از شکل‌گیری کتابخانه، مردم آن باید سواد داشته باشند، خط و نوشتن بدانند، با علوم آشنا باشند و از همه مهم‌تر کتاب یا منابع مکتوبی داشته باشد که قوام‌بخش کتابخانه‌هاست. کتابخانه، نتیجه و ثمره نهایی سواد، خط و آشنایی با علوم است. کنش متقابل این عوامل، یک نظام ارگانیک زنده به نام کتابخانه‌ها را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل در ادامه این بخش، ابتدا عناصر لازم و ضروری ساخت کتابخانه‌ها بررسی می‌شود.

خط در ایران باستان

تاریخ خط و زبان ایران به دو دوره متمایز پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم می‌شود. ملاک این تقسیم‌بندی، تنها تسلط اعراب و انقراض سلسله ساسانی نیست؛ زیرا اتفاقات و حوادث سیاسی تنها عامل تمایز خط و زبان نمی‌تواند باشد. علت این تقسیم‌بندی آن است که ایرانیان، بسیاری از سنن و خصوصیات کهن ملی خود را بعد از تسلط اعراب حفظ کردند، ولی به علت تغییر مذهب و تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی، ادبیات، خط و تا حدودی زبان بعد از اسلام با پیش از آن تفاوت کلی دارد. تاریخچه خط در ایران باستان، طبق کتیبه‌ای که

در جنوب ایران کشف شده، مبدأ آن به حدود پنج تا هفت هزار سال پیش می‌رسد. برای نمونه می‌توان از کتیبه‌های موجود در معبد سه‌هزار و پانصد ساله زیگورات نام برد، ولی از آن‌جا که در این مورد منابع کاملی وجود ندارد، از تشریح قدمت خط در آن دوره خودداری می‌کنیم (ناتل خانلری، ۱۳۷۳، ص: ۵۷).

خط و کتابت ماد

تاکنون مدرکی درباره فرهنگ معنوی مادها و خط و کتابت آن‌ها به دست نیامده است. ولی با توجه به فرمانی که درباره هبه اموال و دادن تسهیلات به مردی آشوری در قرن هشتم ق. م. از طرف شاهک آبدادانان به زبان آکادی موجود است، می‌توان نتیجه گرفت که مادها نیز از خود خط و کتابت داشتند. این اقوام که در کنار دریاچه ارومیه ساکن بودند، خطی شبیه به هیروگلیف داشتند که روی دیس نقره‌ای که در زیویه به دست آمده هیروگلیف‌های مزبور منقوش است. مردم ماد مرکزی و هگمتانه هم دارای نوعی خط بودند که امروزه به خط پارسی باستان و خط هخامنشی ردیف اول مشهور است. از طرف دیگر، زبان کتیبه‌های هخامنشی کشف شده دارای کلمات مادی فراوان است، چون پادشاهی ماد و هخامنشی به صورت پیوسته بود و فقط قدرت از مادها به هخامنشیان منتقل شد. آثاری که از دوره مادها کشف شده عبارتند از:

- شیر سنگی در همدان و تپه باستانی هگمتانه،
- دخمه کنده شده در سنگ در سر پل ذهاب که به دکان داود مشهور است،
- دخمه نقاشی شده در شهرستان صحنه کرمانشاه،
- اتاق فرهاد در لرستان،
- دخمه حجاری شده در ده نواسحاق‌وند کرمانشاه (دپاکونف، ۱۳۵۷، ص: ۳۳۹).

دوره هخامنشی

کوروش، مؤسس سلسله هخامنشیان، پاسارگاد را به عنوان مرکز حکومت خود انتخاب کرد، کشور لیدی و بابل را تسخیر نمود و مهم‌ترین دولت و سلطنت دنیای قدیم را تشکیل داد. داریوش، بزرگ‌ترین شاهنشاه هخامنشی، نخست، یاعیان کشور را سرکوب کرد و سپس کشور ایران را از سر حد چین تا افریقا توسعه داد و دولت هخامنشی را به مقتدرترین دولت روی زمین تبدیل کرد. فرهنگ و تمدن درخشان ایران از روزگار هخامنشی آغاز می‌شود که

سندهای موجود و آثار باقی‌مانده، بیانگر قدرت و عظمت هخامنشیان است (پورداد، ۱۳۲۶، ص. ۱۲۸).

نخستین خط ایرانی

نخستین خطی که در ایران باستان از آن استفاده شد، خط میخی هخامنشی است. آثار مکتوبی که از روزگار هخامنشیان به ما رسیده با همین خط و از چپ به راست نوشته می‌شد. این خط در هشتصد سال پیش از میلاد مسیح به ایران راه یافته، ولی از روزگار پادشاهی مادها که در پایان سده هشتم تأسیس شده بود، هنوز آثاری از این خط به دست نیامده است. چون شهر همدان، برخلاف شهرهای دیگر که با فاصله از شهر باستانی ایجاد شدند، درست روی ویرانه‌های شهر هگمتان بنا شده و این مساله مانع بزرگی برای کندوکاوهای باستان‌شناسی است. آثار موجود به خط میخی همگی از زمان هخامنشیان است. در حال حاضر، نخستین خط میخی هخامنشی موجود، متعلق به کوروش کبیر است که در دشت مرغاب کشف شده و در زمان کوروش هخامنشی ۵۲۹ - ۵۵۹ ق.م نگاشته شده است. این کتیبه به دو زبان دیگر بابلی و عیلامی هم ترجمه شده که بالای خط هخامنشی نوشته شده اند (گیرشمن، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۷).

پادشاهان هخامنشی که از آن‌ها کتیبه به خط میخی هخامنشی به دست آمده عبارتند از:

- داریوش (۵۲۲-۴۸۶)
- خشایارشا (۴۸۶-۴۲۴)
- اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴)
- اردشیر دوم (۴۰۴-۳۳۸)
- اردشیر سوم (۳۵۹-۳۳۸)
- آریارمنه و ارشامه

هرودوت از لشکرکشی داریوش در جنگ با ساک‌ها می‌گوید: چون داریوش به سفور رسید، دو ستون از سنگ سفید در آن‌جا بر پا کرد. در یکی از آن‌دو نام کسانی را که با وی همراه بودند به خط آشوری و دیگری را به خط یونانی کنده‌کاری کرد. البته باید توجه داشت که هرودوت خط میخی هخامنشی را خط آشوری نامید. خط میخی ابتدا در سومر شکل گرفت و بعد به آکاد رفت و از آن‌جا به بابل و آشور راه یافت. سپس به ایران رسید. در ایران به اندازه‌ای

این خط تغییر یافت که به صورت یک الفبا درآمد. ولی بعد از اردشیر سوم (۳۳۸ - ۳۵۹) ق.م دیگر اثری از این زبان به دست نیامد و چند نگین و مهری که به دست آمده همه قبل از سال ۳۰۰ پیش از میلاد است (هردوت، ۱۳۳۶، ج. ۱. ص. ۱۴۹).

از تمامی آثار نگاشته شده هخامنشی چهارصد واژه از زبان پارسی باستان به جای مانده است. البته این تعداد فقط ریشه‌ها و بن‌شناخت‌هاست و مشتقات آن‌ها محاسبه نشد. خط میخی با سیر تکاملی در ایران، قسمتی از الفبای آریایی محسوب شد و فقط علامت‌های این الفبا از اشکال میخی بابلی اقتباس شده است. در اواخر روزگار هخامنشیان خط ملایمی در ایران پدیدار شد و رفته رفته جای خط میخی را گرفت (صفا، ۱۳۷۶، ص. ۱۹).

پارسی باستان

زبان ایرانیان در زمان هخامنشیان پارسی باستان یا فرس قدیم نامیده می شود که ریشه زبان فارسی کنونی است. کتیبه های شاهان هخامنشی و لوح های زرین و سیمین که از آن روزگار باقی مانده به این زبان نوشته شده است. مجموع واژه های اصلی کتیبه ها از چهارصد کلمه تجاوز نمی کند و مطالب آن عبارت است از نام و شرح خاندان شاهان، تفصیل فتوحات، ستایش یزدان، نکوهش دروغ و ناپاکی، سفارش به راستی و نیکوکاری. این کتیبه ها اغلب به چند زبان است و غیر از پارسی باستان، به زبان های آشوری، عیلامی، آرامی نگاشته شده که بین ملل تابعه هخامنشیان معمول بوده است. مجموع کتیبه های هخامنشی بالغ بر چهل تاست و مهم ترین آن ها در تخت جمشید، همدان، شوش، نقش رستم، بیستون، الوند و وان وجود دارد که کتیبه بیستون از همه مفصل تر است. این کتیبه مشتمل بر ۴۲۰ سطر و هیجده هزار و نهصد کلمه می باشد. داریوش در این کتیبه چگونگی فرونشاندن شورش های داخلی و غلبه و تسلط به کشورهای خارجی و حدود تصرفات خود را شرح می دهد و در پایان مجد و بزرگواری کشور ایران را آرزو می کند (ناتل خانلری، ۱۳۷۳، ص. ۸۷).

خط میخی

کتیبه های هخامنشی به خط میخی است. ایرانیان این خط را از قوم کلدی و آشور گرفتند و در آن تغییراتی دادند و به صورت الفبایی درآوردند. این خط از چپ به راست نوشته می شد و دارای ۳۶ حرف بود و در کنده کاری و نوشتن روی سنگ و اجسام سخت به کار می رفت. اولین خط میخی که به دست آمده، از زمان آریارمنه و آخرین آن از روزگار پادشاهی اردشیر سوم

است و به دلیل دشواری نگارش، خط میخی از دوران اشکانیان رو به زوال نهاد و به تدریج منسوخ گردید. گذشته از سنگ نبشته ها، سکه های هخامنشی و خطوط روی بعضی ظروف و سنگ ترازوها و نگین های باقی مانده از آن عهد، همه به خط میخی و زبان پارسی باستان می- باشد (پورداود، ۱۳۲۶، ص: ۱۳۲).

زبان اوستایی

قدیمی ترین اثر از آثار آریایی، اوستاست. زبان اوستایی با سانسکریت، زبان ادبی و کهن هندیان شباهت تام دارد و معلوم می شود که ایرانیان و هندیان در روزگاری با هم زندگی کرده و زبان مشترکی داشته اند که ریشه زبان اوستایی و سانسکریت بوده است. زردشت، پیامبر ایران باستان که قرن ها پیش از مسیح زندگی می کرده، از شمال یا شمال غرب ایران برخاست و متوجه مشرق ایران شد و پیروانش گشتاسب و گرشاسب در مشرق ایران بوده اند. اوستا دارای دو لهجه است. قسمتی از خود زردشت که بسیار قدیمی و بقیه جدیدترند. گاتها یا سرودهای مذهبی از زردشت مقدس است.

اوستا در قدیم ۲۱ کتاب (نسک) را شامل می شد که مردم ایران آن را از حفظ داشتند. در استیلای اسکندر، مقداری از آن از دست رفت. بلاش اول اشکانی، اولین کسی است که اوستا را جمع آوری نمود و دستور داد اوستای پراکنده را که موبدان در حافظه داشتند جمع آوری کنند. ولی اقدام اساسی برای تدوین اوستا در زمان ارشیر بابکان بود که عده ای از موبدان به ریاست تنسر، هیربد هیربدان، مامور جمع آوری اوستا شدند. بعد از اردشیر، پسرش شاپور اول، خرده اوستا را که پراکنده بود جمع آوری کرد. در زمان شاپور دوم ساسانی درباره مراسم دینی بین زردشتیان اختلاف افتاد و به دستور شاپور، آذر بد مهر اسپندان، موبد موبدان، به کتاب اوستا مراجعه و مطالب آن را مرتب کرد (رجبی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص: ۱۰۷).

خط اوستایی

خط اوستایی به احتمال زیاد در زمان ساسانیان تنظیم شده است. موبدان در ضمن تدوین اوستا و کتابت آن متوجه شدند که خط پهلوی برای نوشتن تلفظ صحیح اوستا، رسا نیست. بنابراین موبدان، الفبایی از روی الفبای پهلوی به وجود آوردند که بتوان تمام لغات و کلمات مقدس و قرائت صحیح اوستا را با آن نوشت. این خط دین دبیره نام گرفت که امروزه به خط اوستایی یا دبیری دین نیز گفته می شود. آن را از راست به چپ می نویسند و کامل ترین

خطوط موجود عالم است. زیرا؛ در الفبای اوستایی اولاً اعراب جزء حروف است. ثانياً برای تمام صداها، حروف و علامت خاص وجود دارد. الفبای اوستایی ۴۴ حرف دارد و حروف، متصل به-یک دیگر نیستند و جدا نوشته می‌شوند. به‌دلیل وجود اعراب داخل حروف، خواندن و نوشتن آن بسیار ساده است (رضی، ۱۳۸۲، ص: ۱۶۵).

دوره اشکانیان

پس از مرگ اسکندر، کشور های تصرف شده بین جانشینان او تقسیم شد و سلکوس به فرمانروایی ایران منصوب گردید. مدت هشتاد سال سلوکی‌ها بر کشور ایران تسلط داشتند تا آن‌که پارت‌ها با قیامی، سلوکی‌ها را مغلوب ساختند و مقدمات تاسیس دولت پارت یا اشکانیان به‌وجود آمد. عبارت پارت معرب شده از کلمه پرتوه^۱ است. به‌سبب گذشت زمان در کلمه پرتو تحول ایجاد شده و حروف (ر) به (ل) و (ث) به (ه) تبدیل شد و در نتیجه پرتو به «پلهو» تبدیل شد که بر اثر قلب «ل» و «ه» به‌صورت «پهلوه» در آمده است. پارت به سرزمین خراسان و گرگان امروزی گفته می‌شد که در کتیبه بیستون جزو کشورهایی است که داریوش بر آن‌ها حکمرانی داشته و نامش آمده است. واژه پهلوه همان‌طور که توضیح داده شد، از همان لغت پرتو یا پرتوه است که در نتیجه تطور لغوی به آن صورت درآمده است. لفظ پهلوان به معنی شجاع از همین واژه پهلوی و از نام این سلسله گرفته شده است. چون پارت‌ها یا پرتوها (پهلوی‌ها) قریب ۵۰۰ سال در مقابل حمله رومیان مقاومت کردند (صفا، ۱۳۷۶، ص: ۳۴).

زبان پهلوی اشکانی

پس از استقرار اشکانیان، زبان پهلوی، زبان رسمی و درباری ایران شد و تا تسلط اعراب، زبان مردم شمال و مشرق ایران بود. از زبان پهلوی اشکانی که به زبان پهلوی شمالی نیز معروف است، جز چند کلمه روی سکه‌ها، آثار مهمی باقی نمانده است. در زبان ارمنی و لهجه‌های آذربایجان و خراسان، پاره‌ای از واژه‌های پهلوی اشکانی دیده می‌شود. گاهی از کلمه پهلوی، زبان فارسی روان اراده می‌شود. به‌طوری‌که در دوره‌های اسلامی، به پهلوی زبان می‌گفتند مقصود زبان پارسی بوده و آن را در برابر زبان عربی به‌کار می‌بردند. این زبان که اصل آن

1. parthava

از پارسی باستان است به مرور زمان تغییر یافت و پس از تحول بسیار به صورت پارسی و زبان دری درآمد (پیرنیا، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۲۶۹۶).

مانی در سال ۲۵۱ میلادی در سن ۴۵ سالگی ادعای پیامبری کرد. وی جهت تبلیغ و جذب شاپور اول ساسانی به دین خود، کتاب شاپورگان را به زبان پهلوی اشکانی نگاشت. قسمتی از آثاری که اخیراً از مانویان در تورفان ایالتی از ترکستان چین پیدا شده به خط و زبان پهلوی اشکانی می‌باشد. رساله ای هم به زبان پهلوی اشکانی در دست است به نام درخت آسوریک که جمعی از محققین عقیده دارند اصل آن به زبان پهلوی اشکانی بوده که بعد به پهلوی ساسانی در آمده است و این کتاب در اصل منظوم بود و اشعار ۱۲ هجایی داشت. ولی اکنون اوزان ابیات آن به هم خورده و به نثر تبدیل شده است. موضوع درخت آسوریک عبارت است از مناظره درخت خرما و بز که به عنوان نمونه چند سطر کتاب با ترجمه نقل می‌شود:

درختی رست است تراو شتر و آسوریک،

بنش خشک است، سرش هست تر،

ورگش کنیا ماند، برش ماند انگور،

شیرین بار آورد

مرتومان وینای آن ام درختی بلند

ترجمه: درختی رسته است آن طرف شهرستان آسوریک، بنش خشک است و سرش تر است، برگش به نی ماند و بارش به انگور. شیرین بار آورد. مردمان بینی من آن درخت بلندم.

اخیراً سندی به زبان پهلوی اشکانی در اورمان کردستان کشف شده است. دو قبالة زمین که در ۱۲۰ سال پیش از میلاد مسیح آن را به خط پهلوی اشکانی روی پوست آهو نوشته‌اند. (پیرنیا، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۲۶۹۶)

خط پهلوی اشکانی

خط پهلوی اشکانی که با حروف جدا از هم و منقطع و از راست به چپ نوشته می‌شد از خط آرامی اقتباس شده بود، خط آرامی را کلدانیان که تابع ایران بودند در این کشور رواج دادند. در زمان هخامنشیان این خط مخصوص تحریر بود و خط میخی برای کتیبه و کنده-کاری به کار می‌رفت، در دوره اشکانیان خط پهلوی برای کتیبه و کنده کاری هر دو معمول شد. خط پهلوی دارای ۲۵ حرف است و اشکال این خط آن است که یک حرف گاهی چند صدای مختلف می‌دهد (پیرنیا، ۱۳۸۰، ج ۳، ص. ۲۶۹۶).